

## معرفی ضرابخانه‌های مسکوکات اسکندر در موزه فلک الافلاک خرم‌آباد، لرستان<sup>۱</sup>

سهیلا هادی پور مرادی<sup>I</sup>، بیتا سودائی<sup>II</sup>

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.18796.1922  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶  
(از ص ۶۱ تا ۸۰)

### چکیده

مسکوکات از جمله مدارک ارزشمند جهت مطالعه‌ی ساختار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوره‌های تاریخی متفاوت به‌شمار می‌آیند. منابع تاریخی در مورد اسکندر تصویری مبهم از وی را در ذهن متصور می‌سازند؛ ولی بخش درخور توجهی از مجموعه سکه‌های اسکندر به علت اطلاعاتی که دربر دارند، از منابع دست اول در پژوهش‌های باستان‌شناسی و تاریخی به‌شمار می‌آیند. در خصوص باستان‌شناسی سکه‌های اسکندر مطالعاتی در خارج از ایران منتشر شده است، اما مطالعات سکه‌شناسی این مسکوکات در ایران هنوز دارای نواقص بسیاری می‌باشد. براین اساس در این پژوهش برای نخستین بار به معرفی ضرابخانه‌های مسکوکات اسکندر براساس مسکوکات یک درهمی وی در موزه فلک الافلاک لرستان پرداخته شده است. ۲۳ سکه‌ی یک درهمی نقره‌ی «گونه‌ی اسکندر» در این مجموعه نگه‌داری می‌شوند. از این مجموعه، ۲۰ سکه قابل شناسایی می‌باشند. سه سکه‌ی دیگر به دلیل فرسایش فراوان قابل شناسایی نبودند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با بررسی اسناد کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی به گردآوری داده‌ها پرداخته است. پرسشهای پژوهش عبارتند از: ۱- روند ضرب سکه در زمان اسکندر و جانشینانش چگونه و مسکوکات موجود در موزه فلک الافلاک متعلق به چه ضرابخانه‌هایی هستند؟ ۲- علت ضرب شدن سکه‌های یک درهمی چه بوده و کدام ضرابخانه‌ها به ضرب این مسکوکات پرداختند؟ ۳- چرا مسکوکات یک درهمی اسکندر در لرستان یافت شدند؟ بنابر بررسی سکه‌شناسی از قبیل قرائت خطوط روی مسکوکات، بررسی اوزان، نشان‌های روی مسکوکات و مقایسه‌ی آن‌ها با دیگر مجموعه‌ها می‌توان بیان کرد این مسکوکات در ضرابخانه‌های شهرهای لمپساکوس، ایدوس، کالفون، مایلاسا، سارد و مگنسیا<sup>۲</sup> ضرب شده‌اند که همگی متعلق به آسیای صغیر هستند. این ضرابخانه‌ها از مهم‌ترین ضرابخانه‌های یک درهمی (نقره) اسکندر به‌شمار می‌رفتند که چند سال پس از تسلط وی بر آسیای صغیر به ضرب یک درهمی پرداختند. مسکوکات، بین سال‌های ۳۲۳-۲۹۷ ق.م. ضرب شده‌اند و مربوط به آخرین سال حیات اسکندر تا پیش از اتمام نبردهای جانشینانش می‌باشند. حضور این مسکوکات در لرستان ممکن است در ارتباط با حوادث سیاسی رخ داده‌ی آن زمان، از جمله نبردهای پیاپی جانشینان اسکندر باشد. از طرفی ممکن است مسکوکات از طریق داد و ستد وارد لرستان شده‌اند.

**کلیدواژگان:** اسکندر، مسکوکات یک درهمی، ضرابخانه، موزه فلک الافلاک، لرستان.

## مقدمه

سکه‌شناسی به‌عنوان یک منبع کمکی درخصوص بازشناسی مسائل سیاسی، اقتصادی و تبیین دوره‌های تاریخی است که منابع مکتوب درباره‌ی آن‌ها اطلاعات محدودی دارند. در واقع طرح روی سکه‌ها (متن و تصاویر) در برخی موارد تنها منبعی است که اطلاعات شایان توجهی درباره‌ی ساختار سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی شهرها به‌دست می‌دهد و منبع مهمی در مطالعات تاریخی به‌شمار می‌رود. این درحالی است که دیگر منابع به‌ویژه منابع مکتوب از اطلاعات موجود بر روی این سکه‌ها بی‌بهره‌اند، اما باوجود اهمیت سکه‌ها به‌عنوان منابع دست اول دانش سکه‌شناسی از دوره‌ی اسکندر و سلوکیان نسبت به دیگر دوره‌های تاریخ ایران بسیار ناقص است و بیشتر مطالعات انجام شده بر روی مسکوکات زمامداری اسکندر و دوره‌ی سلوکی در خارج از ایران انجام شده است.

در بسیاری از موزه‌های کشور از قبیل: موزه همدان، موزه ملک، موزه ملی و... غالباً سکه‌های چهاردرهمی اسکندر نگه‌داری می‌شود و مسکوکات یک‌درهمی اسکندر شمار معدودی از سکه‌ها را به‌خود اختصاص داده است. با این‌وجود می‌توان گفت موزه فلک‌الافلاک یکی از معدود موزه‌هایی است که تعداد چشمگیری سکه‌ی یک‌درهمی اسکندر در آن نگه‌داری می‌شود. با توجه به محدود بودن تعداد سکه‌های یک‌درهمی اسکندر در موزه‌های غرب ایران، شناسایی و بررسی این مسکوکات می‌توانند تا حد زیادی به شناخت ما نسبت به یک‌درهمی‌های اسکندر در ایران کمک کند. لازم به ذکر است پیش از این، هیچ‌گونه مطالعه‌ای درخصوص این سکه‌ها صورت نپذیرفته است.

در این پژوهش ابتدا به اختصار به معرفی موزه فلک‌الافلاک و سپس روند ضرب سکه در زمان حیات اسکندر و جانشینانش پرداخته می‌شود. در ادامه، نمونه سکه‌ها و ضرابخانه‌های یک‌درهمی مسکوکات این پژوهش معرفی خواهند شد؛ سپس دلایل ضرب سکه‌های یک‌درهمی در این ضرابخانه‌ها عنوان خواهد شد و درنهایت علل احتمالی حضور یک‌درهمی‌های «گونه‌ی اسکندر»<sup>۳</sup> در لرستان ذکر خواهد شد.

**پرسش‌های پژوهش:** براین اساس، برای درک دقیق از وضعیت سکه‌های گونه‌ی اسکندر در موزه فلک‌الافلاک با این پرسش‌هایی از این دست مطرح می‌شود؛ ۱- روند ضرب سکه در زمان اسکندر و جانشینانش چگونه بوده و مسکوکات موجود در موزه فلک‌الافلاک متعلق به چه ضرابخانه‌هایی هستند؟ ۲- علت ضرب شدن سکه‌های یک‌درهمی چه بوده و چه ضرابخانه‌هایی به ضرب این مسکوکات پرداختند؟ ۳- چرا مسکوکات یک‌درهمی اسکندر در لرستان یافت شدند؟ پاسخ به این پرسش‌ها در بازسازی ابعاد مختلف تاریخ ایران در دوره‌ی اسکندر می‌تواند مفید باشد.

**روش پژوهش:** روش تحقیق به‌کار رفته در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی انجام شده است. در راستای مطالعات کتابخانه‌ای از منابع تاریخی یونانی و لاتین، کاتالوگ‌های سکه‌های اسکندر و منابع به‌روز سکه‌شناسی استفاده شده است. ازجمله‌ی این

منابع می‌توان به کاتالوگ‌های: ضرابخانه‌های دراکم اسکندر ۱ (سارد و مایلاتوس) (Thompson, 1983) و ضرابخانه‌های دراکم اسکندر ۲ (لمپساکوس و آبیوس) نوشته‌ی «مارگارت تامپسون»<sup>۴</sup> (Thompson, 1991)، پنج گنجینه‌ی اسکندر در موزه آفون نوشته‌ی «ریچارد اشتون»<sup>۵</sup> (Ashton, 1966) و عنوان مسکوکات با نام اسکندر بزرگ و فیلیپ آریهداس نوشته‌ی «رابرت پرایس»<sup>۶</sup> (Price, 1991) اشاره کرد. برای سهولت در ارجاع دادن به این منابع در بخش پی‌نوشت، جدولی تهیه شده که نام هر کاتالوگ مرجع را به صورت اختصار نشان داده است. برای حفظ اصالت مسکوکات، شماره‌ی ثبتی سکه‌ها نیز در جدول‌ها درج شده است.

### پیشینه‌ی پژوهش

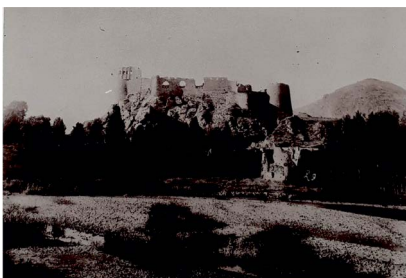
تا مدت‌ها یکی از این مباحث ناشناخته درخصوص ضرابخانه‌های سکه‌های اسکندر شناسایی محل دقیق آن‌ها بود. «مولر»<sup>۷</sup> و بعدها «ادوارد نیول»، «اتنو مرخوم»، «مارگارت تامپسون» و «بلینگر»<sup>۸</sup> از برجسته‌ترین سکه‌شناسانی بودند که به مطالعه و تحقیق درخصوص سکه‌های گونه‌ی اسکندر پرداخته‌اند. در سال ۱۹۹۱ «رابرت پرایس» کتابی در دو جلد با عنوان مسکوکات با نام اسکندر بزرگ و فیلیپ آریهداس<sup>۹</sup> منتشر کرد؛ این منبع یکی از منابع جامعی است که به تفصیل به معرفی سکه‌های اسکندر، ضرابخانه‌ها، زمان فعالیت ضرابخانه‌ها و ساختار و شیوه‌ی فعالیت ضرابخانه‌ها می‌پردازد. درحالی‌که در خارج از ایران مطالعات فراوانی درخصوص مسکوکات اسکندر انجام شده است، اما تا پیش از این پژوهش هیچ‌گونه مطالعه‌ای درخصوص مسکوکات اسکندر در ایران صورت نگرفته است.



▲ شکل ۱. عکس هوایی از قلعه فلک‌الافلاک  
(<http://aftabnews.ir/fa/news/498562>).

### موزه قلعه‌ی فلک‌الافلاک خرم‌آباد

قلعه یا دژ فلک‌الافلاک بر روی تپه‌ای صخره‌ای در مرکز شهرستان خرم‌آباد (مرکز استان لرستان) واقع می‌باشد. ساخت اولیه‌ی آن به شاپور اول ساسانی در قرن سوم قبل‌ازمیلاد نسبت داده شده است (شکل ۲-۱). دژ فلک‌الافلاک در دوره‌های مختلف به عنوان گنجینه‌ی حکومتی، مقر حکومتی، و زندان حکومتی مورد استفاده قرار گرفته است. قلعه دارای دو حیاط است. موزه در حیاط دوم قرار دارد و از دو بخش مردم‌شناسی و باستان‌شناسی تشکیل شده است (سجادی و فرزین، ۱۳۸۲: ۱۸). در مجموعه‌ی موزه قلعه‌ی فلک‌الافلاک خرم‌آباد، ۲۳ سکه یک‌درهمی «گونه‌ی اسکندر» نگه‌داری می‌شوند. در بسیاری از موزه‌های کشور مسکوکات یک‌درهمی اسکندر یا به چشم نمی‌خورند و یا تعداد آن‌ها نسبت به چهاردرهمی‌ها بسیار اندک است. می‌توان گفت موزه‌ی فلک‌الافلاک یکی از معدود موزه‌هایی است که تعداد چشمگیری یک‌درهمی گونه‌ی اسکندر در آن نگه‌داری می‌شود.



▲ شکل ۲. نمای شرقی قلعه، حصار و آثار یکی از برج‌های آن سال ۱۳۱۸ ه.ق. (سجادی و فرزین، ۱۳۸۲: ۳۱).

### ضرب سکه در زمان اسکندر مقدونی و جانشینانش

پیش از معرفی ضرابخانه‌ها، شرحی اجمالی درخصوص روند ضرب سکه به فرمان اسکندر خواهیم پرداخت. اسکندر مقدونی پس از پیروزی در نبرد ایسوس به ضرب

سکه‌های خود (سر هرکول با کلاهخودی به شکل پوست شیر بر روی سکه، زئوس نشسته بر تخت و عقاب در دست بر پشت سکه) پرداخت (شکل ۳). وی با چیرگی بر امپراتوری هخامنشی، گنجینه‌های این امپراتوری ثروتمند را تصاحب کرد. گفته می‌شود در آن زمان در گنجینه‌های شاهنشاهی شوش بالغ بر ۴۰۰۰۰/۵۰۰۰۰ تالانت<sup>۱۰</sup>، در پرسپولیس در حدود ۱۲۰۰۰۰ تالانت (De Calattay, 2012: 178) و در اکباتانا ۱۸۰۰۰۰ تالانت طلا و نقره نگه‌داری می‌شده است (Howgego, 2002: 50).

در واقع اسکندر و بعدها سردارانش با تبدیل کردن گنجینه‌های هخامنشی به مسکوکات بیش از هر چیز در صدد پرداخت هزینه‌های نظامی خود بودند و از طرفی دیگر موجب به گردش درآوردن این مسکوکات در سرتاسر قلمرو خود و همسایگان شدند که در نهایت موجب رونق گردش پول شد (Mørkholm, 1991: 23).

مسکوکات اسکندر از لحاظ جغرافیایی بسیار وسیع بوده و از مقدونیه تا مصر و شوش به ضرب سکه پرداخته می‌شد. در زمان حیات وی ۲۶ ضربخانه فعالیت داشتند (Howgego, 2002: 52). مهم‌ترین ضربخانه‌ی اسکندر در شهر آمفیپولیس<sup>۱۱</sup> در مقدونیه قرار داشت. اسکندر پس از ورود به آسیای صغیر، ابتدا در کیلیکیه، قبرس و سپس فینیقیه به ضرب سکه پرداخت؛ زیرا این مناطق پیش از ورود اسکندر دارای ضربخانه بودند. به علاوه، اسکندر پس از ورود به شرق، ضربخانه‌های زیادی را در بسیاری از شهرها، از جمله بابل، دمشق، آکساندریا و گویا شوش تأسیس کرد. پیش از وی هرگز ضربخانه‌ای در این شهرها دایر نبود (De Calattay, 2012: 179).

اسکندر در یکسان‌سازی سکه‌های طلا و نقره در سرزمین‌های تحت سیطره‌اش بسیار تلاش کرد. سکه‌های طلا (استاتر) را که برابر با ۲۰ یک‌درهمی (نقره) بود به جای دُرّیک تثبیت کرد و نسبت نقره به طلا را بر پایه‌ی ۱:۱۰ قرار داد و الگوی ساختاری مسکوکات را بر اساس اوزان آتنی مشخص کرد. مسکوکات اسکندر به اندازه‌ای اهمیت یافتند که توانستند جایگزین سکه‌های بین‌المللی چهاردرهمی آتن<sup>۱۲</sup> شوند. همان‌گونه که ذکر شد در زمان حیات اسکندر، ۲۶ ضربخانه فعالیت داشتند. پس از مرگ وی جانشینانش در سرتاسر سرزمین‌های تحت سلطه‌اش در ۵۲ ضربخانه به ضرب سکه‌های گونه اسکندر پرداختند (Price, 1991).

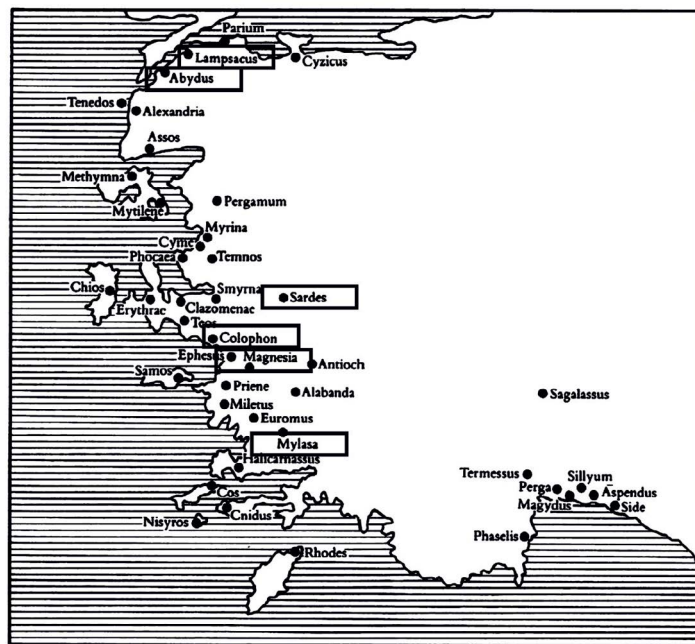
پس از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ ق. م. قلمروش به برادر ناتنی و فرزندش اسکندر چهارم رسید، اما ناتوانی این دو در امر کشورداری عرصه را برای سرداران اسکندر گشود؛ به طوری که فتوحات اسکندر بین سرداران وی تقسیم شد. «بطلمیوس» ساتراپ مصر، «لیسیماکوس» ساتراپ تراکیه، و «آنتیگونوس یک چشم» ساتراپ فریگیه، لیسیا و پامفیلیا شدند (De Callatay, 2012). درست در همین زمان بود که نبردهای جانشینان و سرداران اسکندر بر سر قدرت آغاز شد و به طبع آن روند سکه‌زنی گونه‌ی اسکندر ادامه یافت. گونه‌های اسکندر شناخته شده و قابل قبول همگان بودند و از لحاظ سیاسی بی‌طرف بودند، شاید به همین دلیل بود که این مسکوکات تا بیش از ۲۵۰ سال پس از مرگ وی توسط شهرها و حاکمان مختلف تقلید و ضرب می‌شد (Howgego, 2002: 52). شواهد سکه‌شناسی حاکی از آن است که بیش از یک قرن پس از مرگ اسکندر مسکوکات گونه‌ی اسکندر<sup>۱۳</sup> در گردش بودند

به طوری که بخش اعظم گنجینه‌های بین‌المللی دفن شده را مسکوکات گونه‌ی اسکندر تشکیل می‌دهند (De Calattay, 2012: 179).

اسکندر به ضرب سکه‌های طلا، نقره و برنز پرداخت. سکه‌های طلای اسکندر را اصطلاحاً «استاتر» می‌نامیدند که وزنی در حدود ۸ گرم داشتند. اسکندر دو نمونه سکه‌ی استاتر ضرب کرد. وی در ابتدا، سکه‌های استاتر خود را به تقلید از پدرش فیلیپ ضرب کرد. بر روی این سکه‌ها سر آپولو با تاجی از خوشه‌ی گندم دیده می‌شود و در پشت سکه ارابه‌ای با دو اسب و ارابه‌رانش به چشم می‌خورد. بر روی سکه‌های نوع دوم سکه‌های استاتر اسکندر، تصویر آتنا با کلاهخودی دیده می‌شود بر پشت این سکه‌ها نیکه ایستاده به چشم می‌خورد در حالی که در یک دست خود تاج شاهی و در دست دیگرش عصایی را نگه داشته است. اوزان مسکوکات نقره‌ی اسکندر متنوع بود و شامل ده‌درهمی، چهاردرهمی، دو درهمی، یک درهمی، سه ابولی، دو ابولی، و یک ابولی بود. بر روی تمامی مسکوکات نقره‌ی اسکندر (چهاردرهمی در حدود ۱۶ گرم و یک درهمی در حدود ۴ گرم) نقش هرکول بدون ریش و با کلاهخودی از سر شیر به چشم می‌خورد (شکل ۳). پشت سکه‌ها زئوس را نشان می‌دهند در حالی که بر روی تختی نشسته و با یک دستش عصایی و در دست دیگرش عقابی را نگه داشته است. گفته می‌شود زئوس در پشت سکه‌های نقره‌ی گونه‌ی اسکندر تقلیدی از خدای بعل بر روی سکه‌های تارسوس بود؛ زیرا این تقلید تنها پس از فتح کیلیکیه به دست اسکندر رخ داد (Troxell, 1991: 42). (شکل‌های ۵-۸). بر روی سکه‌های برنز اسکندر مانند سکه‌های نقره‌ی وی غالباً سر هرکول به چشم می‌خورد؛ پشت این مسکوکات متنوع بوده و مضمون‌هایی از قبیل تیردان به همراه گرز، اسب و یا عقاب دیده می‌شود. اوزان این مسکوکات متنوع بود و وزنی بین ۱/۵ گرم تا ۲۰ گرم داشتند (Ibid, 1997: 12).



▲ شکل ۳. یک درهمی اسکندر ضرب لمپساکوس، مجموعه‌ی سکه‌ی موزه قلعه‌ی فلک‌الافلاک خرم‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۸).

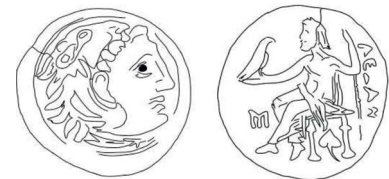


► شکل ۴. ضرابخانه‌های یک درهمی‌های موجود در مجموعه‌ی موزه فلک‌الافلاک (Price, 1991: 182).

### معرفی مسکوکات یک درهمی اسکندر در موزه فلک الافلاک

در مجموعه‌ی مسکوکات موزه قلعه‌ی فلک الافلاک، ۲۳ سکه‌ی یک درهمی اسکندر نگه‌داری می‌شود. پیش از این هیچ‌گونه مطالعه‌ای درخصوص این سکه‌ها انجام نشده بود. همه‌ی ۲۳ سکه، وزنی بین ۳٫۵-۴٫۲ گرم دارند. همگی سکه‌ها از جنس نقره می‌باشند. مسکوکات عمدتاً در ضرابخانه‌های جنوب‌غربی آسیای صغیر در شهرهایی هم‌چون: کالفون، سارد مایلاسا، مگنسیا (مگنزییا) و در شهرهای شمال‌غربی آسیای صغیر از قبیل لمپساکوس، ابیدوس ضرب شده بودند (شکل ۴).

روی مسکوکات یک درهمی تمامی ضرابخانه‌ها سر هرکول جوان رو به سمت راست نقش می‌شد، درحالی‌که کلاهخودی از سر شیر بر سر داشت و با پنجه‌های شیر در ناحیه‌ی گردن هرکول گره خورده بود.



▲ شکل ۵. سکه یک درهمی اسکندر ضرب ابیدوس، مجموعه‌ی موزه قلعه‌ی فلک الافلاک (نگارندگان، ۱۳۹۸).

در پشت سکه‌ها زئوس (آنتوفورس)<sup>۱۴</sup> نشسته بر روی تخت و رو به سمت چپ حک شده بود، وی عقابی ایستاده بر روی دست راست خود داشت و عصای بلندی را در دست چپ خود نگاه‌داشته بود؛ زئوس پای راست خود را پشت پای چپش نگه‌داشته بود. بر پشت تمامی مسکوکات ΑΛΕΞΑΝΔΡΟΥ (ALEXANDROY) از بالا به پایین در سمت راست نقش شده است. در زیر تخت، سمت چپ زمینه و یا گاه سمت راست زمینه، نشان‌ها و علائمی ضرب می‌شد (شکل ۵، جدول ۱).

نام ضرابخانه	تعداد مسکوکات یک درهمی	علامت پشت سکه‌ها	اشکال پشت سکه‌ها	حروف پشت سکه‌ها
کالفون	۸	☉ ☽	قسمت قدیمی پگاسوس، آرتمیس، آمفورا، سگک،	ME, [KI], N
لمپساکوس	۷	☐ A	هلال ماه، ستاره، سرنیزه،	B, K, Π, N, K, BTI, Φ
ابیدوس	۲	☽	دماغه کشتی، گرز- عصا، برگ پیچک	M
مایلاسا	۱	☽	-	KH
مگنسیا	۱	☽	حلقه خوشه گندم	A, B
سارد	۱	-	زنبور	TI

جدول ۱. سکه‌های یک درهمی مجموعه‌ی قلعه‌ی فلک الافلاک براساس ضرابخانه‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۸).

تمامی مسکوکات مجموعه‌ی قلعه‌ی فلک الافلاک مربوط به ضرابخانه‌های مهم آسیای صغیر بودند که در زمان اسکندر مسئول ضرب سکه‌های یک درهمی بودند؛ درحالی‌که در زمان اسکندر و جانشینانش تا اواخر قرن چهارم قبل از میلاد، غالب ضرابخانه‌ها سکه‌های چهاردرهمی و بعضاً استاتر طلا تولید می‌کردند، و یک درهمی‌ها به ندرت ضرب می‌شد؛ تنها هفت ضرابخانه در آسیای صغیر مسئول ضرب مسکوکات یک درهمی بودند. علت این امر ممکن است به زمان هخامنشی بازگردد. پیش از ورود اسکندر، آسیای صغیر تحت سلطه‌ی هخامنشیان بود و واحد اصلی پول برای تبادلات در این منطقه شکل و یا در مواردی یک درهمی بود؛

به عبارت دیگر استفاده از مسکوکات کوچک نقره، پیش و پس از ورود اسکندر در آسیای صغیر مرسوم بود (Thompson, 1983: 1).

در حدود ۳۳۰ ق. م. ضرباخانه‌ای در شهر سارد تأسیس شد، و در حدود ۳۲۵ ق. م. به ضرب یک درهمی پرداخت. پس از سارد، این وضعیت در دیگر ضرباخانه‌های غربی آسیای صغیر رخ داد. ابیدوس در سال ۳۲۵ ق. م. به ضرب سکه پرداختند. در همان سال کالفون و مایلتوس به طور چشمگیری مسکوکات یک درهمی را ضرب کردند. مگنسیا در سال ۳۲۵/۴ ق. م. به ضرب سکه‌های یک درهمی پرداخت. در تمامی این ضرباخانه‌ها مسکوکات یک درهمی مهم‌ترین محصول ضرباخانه‌ها به شمار می‌رفتند. ممکن است وظیفه‌ی ضرب سکه‌های یک درهمی به این ضرباخانه‌ها محول شده و دیگر ضرباخانه مسئول ضرب چهاردرهمی و استاتر بوده باشد (Mørkholm, 1991: 50). تمامی ضرباخانه‌های یک درهمی، غیر از سارد، در شهرهای یونانی‌نشین و یا شهرهای ساحلی آسیای صغیر واقع شده بودند. از زمان اسکندر تا سال ۳۱۸/۱۹ ق. م. بیشترین سکه‌ها در ضرباخانه‌ی سارد ضرب می‌شد. پس از سارد، کالفون و لمپساکوس فعال‌ترین ضرباخانه‌ها بودند. در ضرباخانه‌های مگنسیا، مایلتس و ابیدوس مسکوکات کمتری ضرب می‌شد (Mørkholm, 1991: 50).

ضرب فراوان مسکوکات گونه‌های اسکندر پس از مرگ وی ادامه داشت. این مسکوکات برای پرداخت حقوق سربازان و هزینه‌ی نبردهای پیاپی جانشینان اسکندر ضرب شدند (De Calattay, 2012: 179). آنتیگونوس در بین دیگر سرداران اسکندر بیشترین ضرباخانه‌ها را در محدوده‌ی قلمرو خود در اختیار داشت. به طوری که از سال ۳۱۰ ق. م. و پس از آن تمام مسکوکات ضرباخانه‌های غربی آسیای صغیر برای آنتیگونوس ضرب می‌شده است. در این زمان بیشترین مسکوکات در ضرباخانه‌های لمپساکوس و ابیدوس ضرب می‌شد. کالفون، مگنسیا و تئوس در رده‌های بعدی قرار داشتند (Mørkholm, 1991: 61). پس از مرگ فیلیپ سوم در ضرباخانه‌های سارد و ابیدوس وقفه ایجاد شد و تا زمان ورود آنتیگونوس (۳۱۱ ق. م.) به این مناطق نظارت مرکزی روی روند ضرب مسکوکات این ضرباخانه‌ها وجود نداشت (Thompson, 1991).

### لمپساکوس

هفت سکه از مجموع سکه‌های موزه قلعه‌ی فلک‌الافلاک مربوط به ضرباخانه‌ی لمپساکوس می‌باشد (جدول ۲، شکل ۶). مهم‌ترین نشان این ضرباخانه قسمت قدامی پگاسوس<sup>۱۵</sup> می‌باشد که بر پشت بسیاری از مسکوکات این ضرباخانه به چشم می‌خورد؛ شماره‌ی ۳-۶ این مجموعه دارای چنین ویژگی می‌باشند. این نشان پس از ورود لیسماکوس در سال ۳۰۲ ق. م. نیز بر پشت سکه‌ها ضرب می‌شد و در سال ۲۹۷ ق. م. از روی سکه‌ها حذف شد. قسمت قدامی پگاسوس تنها نشان این شهر نبود، چندین نشانه و حروف دیگر بر پشت مسکوکات ضرب می‌شد (Price, 1991: 210).

ضرابخانه‌ی لمپساکوس مدت‌ها پیش از ورود اسکندر فعال بود و در زمان هخامنشیان اجازه‌ی ضرب مسکوکات خود را به صورت مستقل داشت. گفته می‌شود پگاسوس در آن زمان نیز بر پشت سکه‌ها نقش می‌شد. این ضرابخانه در سال ۳۲۹ ق. م. به ضرب سکه برای اسکندر پرداخت. لمپساکوس، شهری بندری در شمال غربی آسیای صغیر بود و از موقعیت استراتژیکی حساسی برخوردار بود. این شهر در زمان اسکندر نقش حیاتی را ایفا می‌کرد و نقطه‌ی اتصال بین آسیا و مقدونیه بود (Thompson, 1991: 11).

منبع	زیر تخت	سمت چپ زمین	وزن (گرم)	سال ضرب سکه	شماره‌ی ثبتی سکه	شماره‌ی سکه
Lampsacus and Abydus, Pl. 10: 255a; Price, CXXII: 1375e		سگک	۴	۳۱۷-۳۲۳ ق. م.	۵۱۲۱	۱
Lampsacus and Abydus, Pl. 12: 330a; Price, Pl. CXXIII: 1406c	M[E]	[KI]	۳,۵	۳۰۱-۳۱۰ ق. م.	۱۷۶۷	۲
Price, Pl. CXXII: 1387 a; Lampsacus and Abydus, Pl. 15: 443a; SNG Cop: 888; Muller: 614	آرتمیس	قسمت قدیمی پگاسوس	۳,۵	۳۰۱-۳۱۰ ق. م.	۵۱۱۸	۳
Price, Pl. CXXII: 1385 b; Lampsacus and Abydus, Pl. 16: 465; SNG Cop: 886, Afyon, Pl. 41: 5	-	قسمت قدیمی پگاسوس	۳,۹	۳۰۱-۳۱۰ ق. م.	۵۱۱۹	۴
Lampsacus and Abydus, Pl. 17: 528; SNG Cop 887		قسمت قدیمی پگاسوس	۴,۲	۳۰۱-۳۱۰ ق. م.	۵۱۱۰	۵
Price, Pl. CXXII: 1382; Lampsacus and Abydus, Pl. 17: 521b; Olympia, Pl. 2: 61		قسمت قدیمی پگاسوس	۴	۳۰۱-۳۱۰ ق. م.	۵۱۲۵	۶
Lampsacus and Abydus, Pl. 14: 385a; Afyon, Pl. 41: 11- Pl. 45: 3	ME	آمفورا	۳,۸	۳۰۱-۳۱۰ ق. م.	۵۱۱۲	۷

جدول ۲. مسکوکات یک‌درهمی مجموعه‌ی قلعه‌ی فلک‌الافلاک، ضرب ضرابخانه‌ی لمپساکوس (Price, 1991; Thompson, 1991; Muller, 1855; Ashton, 1996; Breitenstein & Schwabacher, 1943; Newell, 1929).



شکل ۶. مسکوکات یک‌درهمی مجموعه‌ی قلعه‌ی فلک‌الافلاک، ضرب ضرابخانه‌ی لمپساکوس (مربوط به جدول شماره‌ی ۲)، Price, 1991; Thompson, 1991; Muller, 1855; Ashton, 1996; Breitenstein & Schwabacher, 1943; Newell, 1929.



## کالفون

بیشترین سکه‌های مجموعه قلعه‌ی فلک‌الافلاک به ضربخانه‌ی کالفون تعلق دارد. از مجموع ۲۰ سکه، هشت سکه متعلق به کالفون می‌باشد. این مسکوکات بین سال‌های ۳۲۳-۲۹۷ ق.م. ضرب شده‌اند (جدول ۳، شکل ۷).

► جدول ۳. مسکوکات یک‌درهمی مجموعه‌ی قلعه‌ی فلک‌الافلاک، ضرب ضربخانه‌ی کالفون (Price, 1991; Ashton, 1996; Davesene, 1996; Muller, 1855; Thompson & Bellinger, 1955; Noe, 1962; Briet, 1943; Cox, 1966).

شماره‌ی سکه	شماره‌ی ثبتی سکه	سال ضرب سکه	وزن (گرم)	سمت چپ زمينه	زیر تخت	منبع
۸	۴۰۸۳	۳۱۹-۳۲۳ ق.م	۴,۱	ستاره، سرنیزه (سمت راست)	-	Price, Pl. CXXVI: 1759a - 1760; Thompson/ Bellinger, Colophon: 6; Afyon, Pl. 46: 9_ Pl 42: 27 - Pl 46: 9; Porche-Oreint, Pl. X: 12
۹	۵۱۱۵	۳۱۹-۳۲۳ ق.م	۴	۳۶	B	Price, Pl. CXXXVII: P48a- P48d; Muller: P 137
۱۰	۴۰۸۲	۳۱۰-۳۰۱ ق.م	۴,۲	۸	Φ	Price, Pl. CXXXVIII: 1823 a- 1823 c; Thompson/ Bellinger, Colophon: 16 ; Afyon, Pl. 43: 39; Pl 46: 14; Corinth, Pl. V: 237; Porche-Oreint, Pl. X: 17
۱۱	۱۹۱۲	۳۱۰-۳۰۱ ق.م	۴,۱	BTI	II	Price, Pl. CXXXVIII: 1808c- A; SNG Cop: 928
۱۲	۵۱۰۹	۳۱۰-۳۰۱ ق.م	۴,۱	N	B	Price, Pl. CXXVII: 1800
۱۳	۵۱۱۶	۳۱۰-۳۰۱ ق.م	۳,۹	K	هلال ماه	Price, Pl. CXXXVIII: 1825a- 1826; Afyon, Pl. 46: 15, Armenak, Pl. 15: 629, Gordion, Pl. VII: 26_ 27
۱۴	۵۱۱۷	۳۱۰-۳۰۱ ق.م	۳,۷	BTI	II	Price, Pl. CXXXVIII: 1808a; Muller 796; SNG Cop 928; Afyon, Pl. 42: 32.
۱۵	۵۱۱۴	۳۰۱-۲۹۷ ق.م	۴	شیر، هلال ماه	ستاره‌ی پنج ضلعی	Price, Pl. CXXXIX: 1832; Muller: 341; SNG Cop: 906; Afyon, Pl. 43: 46

کالفون یکی از فعال‌ترین ضربخانه‌ها به‌شمار می‌رفت. گفته می‌شود این ضربخانه، مانند لمپساکوس در زمان هخامنشی مستقل بوده و با ورود اسکندر به ضربخانه‌ای سلطنتی برای شاه مقدونی تبدیل شده بود (Price, 1991: 247). براساس شواهد سکه‌شناسی کالفون در اواخر سال‌های حکومت اسکندر به ضرب سکه‌های یک‌درهمی پرداخته است (Thompson & Bellinger 1955: 3-35; 20-). به‌عبارتی دیگر، کالفون پس از ضربخانه‌های لمپساکوس و ابیدوس فعالیت خود را آغاز کرد.

در سال ۳۱۹ ق.م. ضربخانه‌ی به‌دست آنتیگونوس افتاد. بین سال‌های ۱۵/۳۱۶ ق.م. وقفه‌ای در ضرب مسکوکات ضربخانه‌های یک‌درهمی آسیای صغیر (غیر از کالفون) رخ داد؛ از این زمان به‌مدت پنج یا شش سال ضربخانه‌ی کالفون فعال‌ترین ضربخانه‌ی یک‌درهمی به‌شمار می‌رفت (Morkholm, 1991: 57).

## ابیدوس

دو سکه از سکه‌های این مجموعه، متعلق به ضربخانه‌ی شهر ابیدوس می‌باشد (جدول ۴، شکل ۸). شناسایی مسکوکات ابیدوس به اندازه‌ی لمپساکوس واضح و آسان نیست؛ به‌عبارتی دیگر، هیچ نشان ویژه و منحصر به فردی را نمی‌توان



شکل ۷. مسکوکات یک درهمی مجموعه‌ی قلعه‌ی فلک‌الافلاک، ضرب ضربخانه‌ی کالفون (مربوط به جدول شماره‌ی ۳)، (Price, 1991; Ashton, 1996; Davesene, 1996; Muller, 1855; Thompson & Bellinger, 1955; Noe, 1962; Briet, 1943; Cox, 1966).

جدول ۴. مسکوکات یک درهمی مجموعه‌ی قلعه‌ی فلک‌الافلاک، ضرب ضربخانه‌ی ابیدوس (Thompson, 1991; Price, 1991; Ashton, 1996; Noe, 1962; Davesene, 1966).

منبع	زیر تخت	سمت چپ زمینه	وزن (گرم)	سال ضرب سکه	شماره‌ی ثبتي سکه	شماره‌ی سکه
Lampsacus and Abydus, Pl. 29: 272a_74; Price, Pl. CXXV: 1540, Prokesch- Osten (1) [357]	گرز-عصا	دماغه‌ی کشتی، 𐎧𐎡𐎴	4	۳۰۱-۳۱۰ ق.م.	۱۷۶۶	۱۶
Price, Pl. CXXIV: 1527 a, b; Afyon, Pl. 42: 13; Lampsacus and Abydus, Pl. 29: 265; Corinth, Pl. IV: 174; Porche-Oreint, Pl. X: 4	برگ پیچک	M	۳,۹	۳۰۱-۳۱۰ ق.م.	۵۱۱۳	۱۷

مطلقاً به این ضربخانه نسبت داد. این امر ممکن است ناشی از انتقال ضرب‌ها از ضربخانه‌های دیگر به ابیدوس و یا به عکس باشد. براساس شواهد سکه‌شناسی ضربخانه‌های ابیدوس و لمپساکوس با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. این بدان معناست هر فردی که مسئول انتخاب نشان و علامت‌های مخصوص ضربخانه‌ی ابیدوس بوده است با ضربخانه‌ی لمپساکوس در ارتباط و تحت تأثیر نشان‌های این ضربخانه



16

17

بوده است (Thompson, 1991: 42). دو ضربخانه‌ی لمپساکوس و ابیدوس در یک زمان فعالیت خود را آغاز کردند؛ به علاوه هر دو در یک زمان به ضرب مسکوکات یک درهمی پرداخته‌اند (Thompson & Bellinger, 1955).

### مایلاسا

سکه‌ی شماره‌ی ۱۸ در این مجموعه به ضربخانه‌ی مایلاسا تعلق دارد (جدول ۵، شکل ۹: ۱۸). بین سال‌های ۳۱۵ تا ۳۱۱ ق. م. شمار اندکی یک درهمی گونه‌ی اسکندر در ضربخانه‌ی شهر مایلاسا ضرب شد (Thompson, 1981b). این سکه‌ها به دستور ائوپلموس<sup>۱۶</sup> مقدونی، یکی از افسران کاساندر، ضرب شدند (Mørholm, 1991: 59). ائوپلموس از سوی کاساندر بین سال‌های ۳۱۵/۱۴ ق. م. در مایلاسا مأمور نبرد علیه آنتیگونوس بود.

### مگنسیا

پس از مرگ اسکندر، مگنسیا بدون وقفه به ضرب مسکوکات خود ادامه داد و در سال ۳۱۹ ق. م. به دست آنتیگونوس افتاد (Thompson & Bellinger, 1955). در زمان وی، ضربخانه فعالانه به ضرب سکه می‌پرداخت. از اواخر حکومت فیلیپ سوم تا آنتیگونوس، نشان زیرتخت در سکه‌ی شماره‌ی ۱۹ (جدول ۶، شکل ۹: ۱۹)، نشان غالب مسکوکات مگنسیا شد؛ به علاوه نشان‌هایی در داخل حلقه‌ی خوشه‌ی گندم به سکه‌ها اضافه شد (Price, 1991: 264).

▲ شکل ۸. مسکوکات یک درهمی مجموعه قلعه فلک‌الافلاک، ضرب ضربخانه ابیدوس (مربوط به جدول شماره ۴)، (Thompson 1991; Price; 1991; Ashton 1996; Noe 1962; Davesene 1966)

► جدول ۵. مسکوکات یک درهمی مجموعه قلعه‌ی فلک‌الافلاک، ضرب ضربخانه‌ی مایلاسا (Price, 1991; Thompson, 1986; Prokesch & Osten, 1869; Thompson, 1981; Ashton, 1996)

شماره‌ی سکه	شماره‌ی ثبتی سکه	سال ضرب سکه	وزن (گرم)	سمت چپ زمینه	زیرتخت	منبع
۱۸	۱۷۶۵	۳۱۴ ق. م.	۴		KH	Price, Pl. CXXXIII: 2480c, Armenak, 554- 7; Prokesch_ Osten: 322; Mylasa: 5; Afyon, Pl 45:16; Cavalla, Pl. 6: 25

► جدول ۶. مسکوکات یک درهمی مجموعه قلعه‌ی فلک‌الافلاک، ضرب ضربخانه‌ی مگنسیا (Price, 1991; Muller, 1855)

شماره‌ی سکه	شماره‌ی ثبتی سکه	سال ضرب سکه	وزن (گرم)	سمت چپ زمینه	زیرتخت	منبع
۱۹	۵۱۲۲	۳۰۵-۳۱۹ ق. م.	۳٫۸	A) در داخل حلقه خوشه گندم، B		Price, Pl. CXXX: 1979; Muller: 555

### سارد

سکه‌ی شماره‌ی ۲۰ این مجموعه به ضربخانه‌ی سارد تعلق دارد (جدول ۷، شکل ۹: ۲۰). سارد پایتخت پادشاهی لیدی و مرکز ساتراپی در زمان امپراتوری هخامنشی بود. در حدود ۳۳۰ ق. م. ضربخانه‌ای در این شهر تأسیس شد. سال‌های اولیه تسلط اسکندر بر این شهر غالباً سکه‌های طلا یا همان استاتر ضرب می‌شد. سارد در سال ۳۲۵/۴ ق. م. به ضرب سکه‌های یک درهمی پرداخت (Mørholm, 1991: 50). این ضربخانه، اولین ضربخانه‌ای بود که برای اسکندر سکه‌ی یک درهمی ضرب کرد (Thompson, 1983: 41). در ضربخانه‌ی سارد نشان‌های مختلفی از جمله: پرنده، چرخ، گل رز و زنبور به همراه حروف استفاده می‌شد. از زمان اسکندر تا سال

منبع	زیرتخت	سمت چپ زمینه	وزن (گرم)	سال ضرب سکه	شماره ثبتی سکه	شماره سکه
Price, Pl. CXXXIV: 2626b; Sardes and Miletus, Pl. 13: 280d, 283b, 284b, 288a, Gordion, Pl. VII: 42; SNG Cop: 961	-	زنور، TI	۴.۱	۳۱۹-۳۲۳ ق.م.	۵۱۲۰	۲۰

جدول ۷. مسکوکات یک دره می مجموعه ی قلعه ی فلک الافلاک، ضرب ضرباخانه ی سارد Price, 1991; Thompson, 1983; Cox, 1966; Breitenstein & Schwabacher, 1943.



شکل ۹. مسکوکات یک دره می مجموعه ی قلعه ی فلک الافلاک، ضرب ضرباخانه های مایلاسا ۱۸، مگنسیا ۱۹ و سارد ۲۰ (مربوط به جدول های ۵، ۶ و ۷)، Price, 1991; Thompson, 1983; Cox, 1966; Breitenstein & Schwabacher, 1943; Thompson, 1986; Prokesch & Osten, 1869; Thompson, 1981; Ashton, 1996.

۳۱۸/۱۹ ق.م. بیشترین سکه ها در ضرباخانه ی سارد ضرب می شد، اما در زمان فیلیپ سوم به طور موقت بسته شد و پس از بازگشایی مجدد در تعداد محدودی به ضرب یک دره می پرداخت (Mørkholm, 1991).

**بررسی مسکوکات یک دره می اسکندر در موزه فلک الافلاک**

افزایش چشمگیر تعداد ضرباخانه ها در بخش های غربی آسیای صغیر و منطقه ی لوانت در بین سال های ۳۳۰ تا ۳۲۶/۵ ق.م. ممکن است به دلیل تقاضا و نیاز بیشتر به سکه و به دنبال آن، رشد تجارت بوده باشد. در حدود سال ۳۲۵ ق.م. در برخی از ضرباخانه های آسیای صغیر، حجم بسیار زیادی از سکه های یک دره می ضرب شد. این امر ممکن است به دلیل پرداخت حقوق سربازان یونانی، مقدونی و مزدورانی باشد که به دستور اسکندر (۳۲۴-۳۲۳ ق.م.) به خانه یشان برگردانده شدند (Thompson, 1984; Troxell, 1991; Price, 1991a: 435-7). حقوق سربازان در بندرگاه های غربی آسیای صغیر (در نزدیکی این ضرباخانه ها) پرداخت شد. پس از مرگ اسکندر، ضرباخانه ها هم چنان به ضرب مسکوکات ادامه دادند. از سال ۳۱۰ ق.م. آنتیگونوس بیشترین ضرباخانه ها را در محدوده ی قلمرو خود در اختیار داشت و تمام مسکوکات ضرباخانه های غربی آسیای صغیر برای وی به ضرب سکه پرداختند (Mørkholm, 1991: 61). پس از آنتیگونوس بیشتر این ضرباخانه ها به دست سلوکوس اول افتاد و ضرب سکه های گونه ی اسکندر به حیات خود ادامه داد.













همان‌گونه که پیش‌تر عنوان شد مسکوکات کوچک نقره پیش و پس از ورود اسکندر در آسیای صغیر مرسوم بود (Thompson, 1983: 1). تنها هفت ضرباخانه در آسیای صغیر مسئول ضرب مسکوکات یک درهمی اسکندر بودند. از این هفت ضرباخانه، مسکوکات شش ضرباخانه: لمپساکوس، ابیدوس، کالفون، سارد، مگنسیا و مایلاسا، در مجموعه‌ی فلک‌الافلاک نگه‌داری می‌شود.

هرچند بر روی تمامی این مسکوکات تصویر هرکول رو به سمت راست با کلاهخودی از پوست شیر به چشم می‌خورد اما چهره‌ی هرکول و کلاهخود در هر ضرباخانه متفاوت بود. به نظر می‌رسد هر کدام از ضربا‌های ضرباخانه‌های شهرهای مختلف، چهره‌ایی متفاوت از هرکول را به نمایش گذاشتند. هرکول همواره جوان به تصویر کشیده می‌شد، اما گاهی دارای چهره‌ای مصمم با بینی یونانی ترسیم می‌شد. عمده تفاوت در کلاهخود هرکول مربوط به یال شیراست. در برخی ضرباخانه‌ها همانند کالفون، یال شیر مجعد و آشفته بود و در برخی ضرباخانه‌ها همانند ابیدوس، یال شیر از پیچش کمتری برخوردار بود (جدول ۸).

تنوع در پشت سکه‌ها بسیار بیشتر بود. همواره زئوس نشسته بر روی تخت‌شاهی رو به سمت چپ ترسیم می‌شد که در دست چپش عصا و در دست راستش عقابی را داشت. اما این صحنه در هر کدام از ضرباخانه‌ها به سبکی متفاوت ضرب می‌شد. در ضرباخانه‌هایی همانند لمپساکوس و کالفون، زئوس دستش را گاهی کاملاً کشیده و در برخی موارد آن را خمیده و عقاب را نگه‌داشته است. در برخی ضرباخانه‌ها (ابیدوس و مگنسیا) زئوس با دستی خمیده عقاب را نگه‌داشته است. وضعیت پای‌های زئوس در تمامی مسکوکات یکسان به تصویر کشیده شده است. وی همواره پای راست خود را در پشت پای چپ خود نگه‌داشته است. تصویر زئوس بر پشت تمامی مسکوکات ریش‌دار است. در ضرباخانه‌هایی همانند لمپساکوس و کالفون و ابیدوس، زئوس گاهی دارای موهای کوتاه و گاهی دارای موهای بلندی است که در پشت سر وی به چشم می‌خورند. در دیگر ضرباخانه‌ها (سارد و مایلاسا) وی دارای موهای کوتاه می‌باشد. تخت زئوس در بیشتر موارد همانند چهارپایه‌ای به تصویر کشیده شده است، اما در برخی ضرباخانه‌ها (لمپساکوس و ابیدوس) تخت وی دارای تکیه‌گاهی در قسمت پشت دیده می‌شود. وضعیت نشستن زئوس نیز قابل توجه است. در تمام ضرباخانه‌ها زئوس گاهی به سمت جلو و یا عقب خمیده شده و در برخی موارد بالاتنه‌ی خود را مستقیم نگاه‌داشته است و به اصطلاح «صاف» نشسته است (جدول ۸).

بیشترین تفاوت‌ها مربوط به علامت‌های خاص ضرباخانه‌ها است. نشانه‌ها معمولاً در سمت چپ زمینه‌ی سکه یا زیر تخت زئوس ضرب می‌شد. هر ضرباخانه یک یا چند علامت خاص به خود را داشت که متفاوت از دیگر ضرباخانه‌ها بود. همین امر مهم‌ترین نشانه برای شناسایی ضرباخانه‌ها است. در برخی موارد، حرف اول شهر ضرب‌کننده‌ی سکه (کالفون) بر پشت سکه‌ها ضرب می‌شد. در مواردی یک علامت در پشت تمام سکه‌های یک ضرباخانه (لمپساکوس) تکرار می‌شد؛ به‌گونه‌ایی که آن علامت نشانه‌ی خاص آن ضرباخانه می‌شد. در پشت تمامی

مسکوکات، نام اسکندر<sup>۱۷</sup> در سمت راست زمینه از بالا به پایین مسکوکات ضرب شده است (جدول ۸).

ضربخانه‌ها	طرح روی مسکوکات	طرح پشت مسکوکات
لمپساکوس		
کالفون		
اییدوس		
مایلاسا		
مگنسیا		
سارد		

جدول ۸. طرح مسکوکات یک دره‌می اسکندر (نگارندگان، ۱۳۹۸).

### دلایل احتمالی حضور یک دره‌می‌های «گونه‌ی اسکندر» در لرستان

شناخت ما از ایرانِ زمان حمله‌ی اسکندر تا تسلط کامل پارتیان بر ایران اندک است؛ این دوره که اصطلاحاً دوره‌ی هلنیستی نامیده می‌شود، از زمان گسترش جهان یونان از طریق پیروزی مقدونی‌ها بر امپراتوری هخامنشی آغاز شد و به دست رومی‌ها در سال ۳۰ ق.م. از بین رفت (Austin, 2006). به علاوه، منابع مکتوب نیز از این دوره اطلاعات اندکی ارائه می‌دهند؛ اگرچه شرح لشکرکشی‌های اسکندر توسط سرداران وی نوشته شده، اما این منابع دست اول از میان رفته‌اند و بعدها مورخان یونانی و لاتین با هرآن‌چه از این گزارشات باقی مانده بود به بازسازی تاریخ پرداختند. در این منابع تاریخی اشاراتی پراکنده و اندک به ناحیه‌ی لرستان امروزی شده است که می‌توان برای بازیابی جغرافیای تاریخی، تاریخ و حوادث آن زمان در لرستان از این منابع استفاده کرد و در نهایت به تفسیر علل احتمالی حضور این مسکوکات در لرستان پرداخت.

به علاوه باید به خاطر داشت که در آن زمان مسکوکات دائماً در گردش بودند و نمی‌توان با اطمینان گفت مسکوکاتی که در یک منطقه یافت شده (مقصد) به طور مستقیم از شهر ضرب‌کننده‌ی سکه‌ها (مبدأ) به این شهر (مقصد) رسیده است یا خیر؛ به علاوه نمی‌توان با اطمینان گفت چه کسانی این مسکوکات را به

منطقه‌ی یافت‌شده، آورده‌اند (Howgego, 2002: 94). اما قدر مسلم از مسکوکات به‌عنوان وسیله‌ای برای مبادلات، معیاری برای ارزش و یا ذخیره‌ای برای دارایی استفاده می‌شده است (Morkholm, 1991: 23). هنگامی که فردی از محلی به محل دیگری (به‌عنوان تاجر، سرباز، توریست و...) حرکت می‌کرد، مسلماً مقداری پول جهت صرف هزینه‌های سفر خود و یا تجارت به‌همراه داشت. مسلماً مسکوکات با فلزات گران‌بها مناسب‌ترین نوع سکه برای این‌گونه تبادلات بودند. گردش مسکوکات کوچک‌تر متأثر از نوع جابه‌جایی افراد بود؛ به‌علاوه پول برای خرید و فروش اجناس، هزینه‌ی سفر، مالیات بندر، مالیات جاده‌ها و مهم‌تر از همه‌ی عوارض گمرک هزینه می‌شد (Howgego, 2002: 93). گفته می‌شود مهم‌ترین دلیل ضرب سکه در زمان اسکندر و جانشینانش پرداخت حقوق سربازان و مزدوران بوده است. شواهد سکه‌شناسی حاکی از آن است که مسکوکات ضرابخانه‌های آسیای صغیر در سرتاسر امپراتوری در گردش بوده‌اند (Morkholm, 1991: 50).

تا پیش از سال ۳۲۴ ق.م. نامی از ساکنین زاگرس در شرح لشکرکشی‌های اسکندر دیده نمی‌شود. آریان، استرابو، دیودوروس و پلینی، خبر از نبردی خونین در زمستان سال ۳۲۴ ق.م. می‌دهند (شکل ۱۰)؛ در این سال، اسکندر، اکباتانا را به مقصد سرزمین «کوسایی‌ها»<sup>۱۸</sup> ترک کرد. تاریخ‌نگاران، کوسایی‌ها را افرادی کوچ‌رو توصیف کرده‌اند که در زاگرس مرکزی بین شوش و اکباتانا ساکن بودند. این قوم یکی از بهترین و جنگاورترین اقوام ساکن در ایران به‌شمار می‌رفتند و مهارت خاصی در نبردها، خصوصاً تیراندازی داشتند (Arr. Anab. 7.15; Strab & Geog, 16. 1. 17; Pliny, 6. 31. 134; Diod, 17. 111. 4).

نام کوسایی برای نخستین بار توسط بطلمیوس (تلفظ یونانی) عنوان شد. گفته می‌شود این قوم از شاهان هخامنشی خراج دریافت می‌کردند؛ به‌علاوه هنگامی که شاهان هخامنشی از شوش به اکباتانا، پایتخت تابستانی خود می‌رفتند از این ناحیه عبور می‌کردند و برای عبور از سرزمین کوسایی‌ها به آن‌ها خراج می‌پرداختند (Strab & Geog, 11. 13. 6). اما اسکندر پس از ۴۰ روز نبرد خونین توانست آن‌ها را شکست دهد و تابع خود سازد (Diod, 17. 111. 4-6).

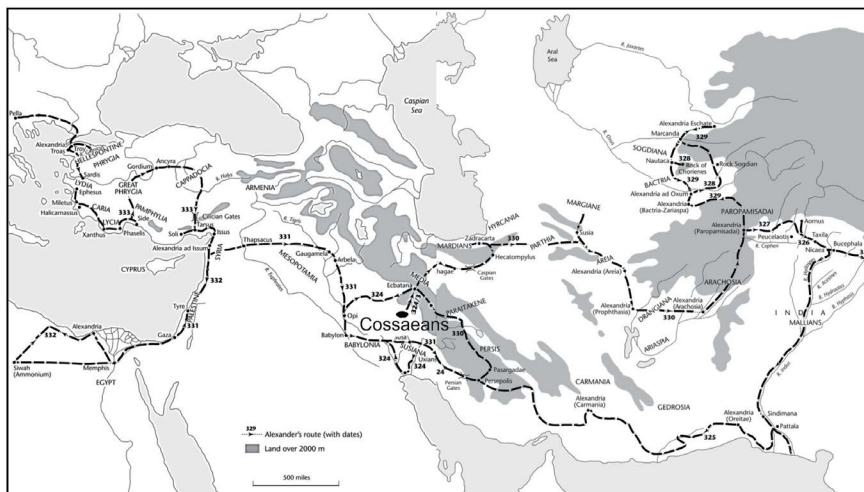
به‌نقل از آریان، اسکندر کوسایی‌ها را وادار به ترک راهزنی کرد. وی کوسایی‌ها را به یکجانشینی و کشاورزی واداشت و برای آن‌ها شهرهایی بنا نهاد و سپس روانه‌ی بابل شد (Diod, 17. 111. 4-6; Arr & Ind, 40. 6-8). در همان سال در بابل، «پئوکستاس»<sup>۱۹</sup> ساتراپ فارس با سپاهی عظیم متشکل از ایرانیان به بابل رسید، در میان این سپاه چندین هزار کوسایی نیز وجود داشت. گویا ساتراپ فارس مأمور جمع‌آوری سربازان ایرانی برای اسکندر بود. اسکندر این سربازان را در میان سربازان خود جای داد و برای آنان حقوق تعیین کرد (Arr & Anab, 7. 23). اگر این مطلب واقعیت داشته باشد، این بدان معناست که کوسایی‌ها مسکوکات اسکندر را به‌عنوان دستمزد دریافت کرده‌اند.

با این حال به‌نظر نمی‌رسد تابعیت کوسایی‌ها چندان به‌طول کشیده باشد؛ زیرا در سال ۶/۳۱۷ ق.م. در جریان نبرد گابینه<sup>۲۰</sup>، هنگامی که آنتیگونوس تصمیم

به عبور از این ناحیه را داشت، کوسایی‌ها از آنتیگونوس خواستند در قبال مسیر امن، خراج بدهد (شکل ۱۱). آنتیگونوس از این کار سر باز زد و نبردی خونین بین ارتش آنتیگونوس و کوسایی‌ها در گرفت؛ پس از نُه روز نبرد، ارتش آنتیگونوس توانست از سرزمین کوسایی‌ها عبور کند، اما سربازان فراوانی را از دست داد و خسارت بسیاری را متحمل شد (Diod, 19. 19. 2-8). آنتیگونوس پس از آن به سرزمین ماد رسید. ساتراپ ماد، پیتون از هم‌پیمانان وی بود و چندین هزار سرباز ایرانی را در اختیار آنتیگونوس قرار داده بود (Champion, 2014: 47).

سلوکوس برخلاف آنتیگونوس توانست اعتماد ایرانیان را جلب کند و همین امر رمز موفقیت نظامی و سیاسی سلوکوس به شمار می‌رفت. هسته‌ی اصلی لشکریان سلوکوس را سربازان نواحی غربی ایران تشکیل می‌داد؛ به طوری که شمار سربازان ایرانی وی به ۳۵۰۰۰ تن می‌رسید (Olbrycht, 2013: 169). احتمالاً در یورش آنتیگونوس به بابل در سال ۳۱۱ ق.م. کوسایی‌ها به سلوکوس یاری رسانده‌اند (Grainger, 1990: 89-91).

سلسله نبردهای جانشینان اسکندر، نیروهای ایرانی را وارد صحنه‌ی میدان‌ها کرد. در جریان دومین نبردهای جانشینان اسکندر، ائومنس در دو نبرد (پرایتاسنه<sup>۱</sup> و گابینه) در مقابل آنتیگونوس به نبرد پرداخت (Bosworth, 2002; Anson, 2004). نبردهای پرایتاسنه و گابینه در غرب ایران رخ داد. آنتیگونوس تنها با کمک نیروهای ایرانی (پارتی‌ها و مادی‌ها) توانست در این نبردها پیروز میدان باشد (Olbrycht, 2013: 166).



شکل ۱۰. مسیر لشکرکشی اسکندر مقدونی (Heckel & Tritle, 2011: 20).



شکل ۱۱. مسیر حرکت و نبرد گابینه (Martinez & Sève, 2011: 20).



هر چند قدیمی‌ترین مسکوکات یک‌درهمی این مجموعه در سال ۳۲۳ ق.م. ضرب شده است، اما با توجه به آن چه گذشت، اسکندر در اواخر عمر خود کوسایی‌ها را در لشکر خود قرار داد و به آن‌ها دستمزد پرداخت. در زمان نبردهای جانشینی، آنتیگونوس از نیروهای مادی بهره برده است. می‌دانیم بیشتر ضرابخانه‌های یک‌درهمی در اختیار آنتیگونوس بود. مسکوکات این ضرابخانه‌ها صرف هزینه‌ی نبردها و پرداخت حقوق سربازان می‌شده است. در زمان وی، نبردهای زیادی بر سر تصاحب قدرت رخ داد. با توجه به مدارک سکه‌شناسی و نزدیکی فاصله‌ی لرستان با اکباتانا ممکن است مسکوکات از طریق دادوستد و توسط سربازان ایرانی که در ماد بزرگ (شمال لرستان) بودند به این ناحیه رسیده باشند. احتمالاً سلوکوس برای نبردهای خود از کوسایی‌ها بهره برده است که در این صورت باید به آنان دستمزد پرداخت کرده باشد. در آخر باید خاطر نشان کرد گاهی سال‌ها طول می‌کشید تا مسکوکات از ضرابخانه‌ی خود به مقصد یافت شده برسند و گاهی سکه‌ها تا سالیان دراز در گردش و جابه‌جایی بودند؛ ممکن است این مسکوکات طی مدت زمان طولانی‌تری و از طریق دادوستد به دست ساکنان لرستان افتاده باشند.

### نتیجه‌گیری

مسکوکات از جمله مدارک ارزشمندی هستند که باستان‌شناسان، تاریخ‌دانان و سکه‌شناسان برای پی‌بردن به ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی یک جامعه از آن‌ها بهره می‌گیرند. هر زمان که مدارک باستان‌شناسی اندک باشد مدارک سکه‌شناسی می‌تواند اطلاعات فراوانی را منعکس کند. از زمان حمله‌ی اسکندر تا ورود پارتیان تصویری مبهم از ایران در ذهن ما متصور است. مجموعه سکه‌های منتسب به اسکندر به علت اطلاعاتی که دربر دارند، منابع شاخصی در پژوهش‌های باستان‌شناسی و تاریخی به‌شمار می‌آیند. در این پژوهش برای نخستین بار به معرفی ضرابخانه‌های مسکوکات اسکندر براساس مسکوکات یک‌درهمی او، در موزه فلک‌الافلاک لرستان پرداخته شد. با مطالعه و بررسی مسکوکات یک‌درهمی اسکندر در قلعه‌ی فلک‌الافلاک می‌توان بیان کرد این مسکوکات ضرب ضرابخانه‌های آسیای صغیر مانند -لمپساکوس، ابیدوس، کالفون، سارد، مگنسیا و مایلاسا- هستند. ضرابخانه‌ها در میان هفت ضرابخانه‌ی مهم یک‌درهمی در زمان حیات اسکندر و جانشیان وی هستند که عمدتاً برای پرداخت هزینه‌های نبردهای مکرر و حقوق سربازان به ضرب سکه می‌پرداختند. مسکوکات بین سال‌های ۳۲۳-۲۹۷ ق.م. ضرب شده‌اند. حضور این مسکوکات در لرستان ممکن است در ارتباط با حضور کوسایی‌ها در ارتش اسکندر و بعدها سلوکوس باشد. براساس منابع تاریخی یونانی و رومی، هنگامی که اسکندر و بعدها آنتیگونوس از سرزمین کوسایی‌ها عبور کردند، حاضر نشدند به کوسایی‌ها خراج بپردازند؛ این بدان معناست که مسکوکات یک‌درهمی یافت شده، از طریق پرداخت خراج به دست نیامده‌اند؛ از طرفی ممکن است این مسکوکات از طریق دادوستد با مناطق همجوار از جمله ماد بزرگ وارد لرستان شده باشند.

## صورت اختصاری کاتالوگ‌ها

<b>Afyon</b>	Ashton, Richard, Mevlüt Üyümez, and Uğur Hoşçöğren. 1966. "Five Alexander Hoards in Afyon Museum." <i>The Numismatic Chronicle</i> (Royal Numismatic Society) 156: 259-268.
<b>Armenak</b>	Thompson, Margaret. 1986. "The Armenak Hoard (IGCH 1423)." <i>American Numismatic Society (ANSMN)</i> 31: 63- 106.
<b>Cavalla</b>	Thompson, Margaret. 1981. "The Cavalla Hoard (IGCH 450)." <i>American Numismatic Society (American Numismatic Society)</i> 26: 33-49.
<b>Corinth</b>	Noe, Sydney P. 1962. "The Corinth Hoard of 1938." <i>American Numismatic Society (American Numismatic Society)</i> 10: 9- 41.
<b>Godrion</b>	Cox, Dorothy H. 1966. "Godrion Hoards III, IV, V, AND VII." <i>American Numismatic Society (American Numismatic Society)</i> 12: 19-55.
<b>Lampsacus and Abyadus</b>	MargaretThompson. 1991. <i>Alexander's Drachm Mints II: Lampsacus and Abyadus</i> . Vol. 19. New York, New York: ANS.
<b>Muller</b>	Muller, L. 1855. <i>Numismatique d'Alexandre le Grand, Suivie d'un Appendice Contenant les Monnaies de Philippe II et III</i> . Copenhagen.
<b>Mylasa</b>	Thompson. M and Bellinger. A.R., 1955, <i>Greek coins in the Yale collection, 4. A hoard of Alexander drachms</i> . YCS 14, 3-5, at 23-4.
<b>Olympia</b>	Newell, E. T. (1929). <i>Alexander Hoards IV. OLYMPIA</i> . <i>American Numismatic Society</i> , 39, 1- 27.
<b>Porche-Oreint</b>	Davesene. A, Lemaire. A, 1966, <i>Tesors hellnistiques du Porche-Oreint</i> , <i>Revue Numismatique</i> , Vol.151, pp. 51- 76.
<b>Price</b>	Price, Martin Jessof. 1991. <i>The Coinage in the Name of Alexander the Great and Philip Arrhidaeus</i> . Vol. I and II. Zurich- London: The Swiss Numismtic Society in Associoation with British museum Press.
<b>Prokesch-Osten</b>	Prokesch-Osten, Von. 1869 [1870]. "Liste des Alexandres de ma Collection Qui ne se Trouvent pas dans le Catalogue de Mr. L. Muller." <i>NZI</i> 31- 64.
<b>Sardes and Miletus</b>	Thompson, MARGaret. 1983. <i>Alexander's Drachm Mints I: Sardes and Miletus</i> . Vol. 16. New York: ANS.
<b>SNG Cop</b>	Breitenstein, Niels, and Willy Schwabacher. 1943. <i>The Royal Collection of Coins and Medals, Danish National Museum [9] Macedonia 2: Alexander I- Alexander III</i> . Copenhagen.

## سپاسگزاری

در انتها بر خود لازم می‌دانیم از جناب آقای روح‌الدین پورزرین (امین اموال موزه قلعه‌ی فلک‌الافلاک خرم‌آباد، لرستان) به پاس همکاری‌های بی‌دریغشان، صمیمانه تشکر نماییم.

## پی‌نوشت

۱. این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری «سهیلا هادی پورمرادی» با عنوان: «لرستان در دوره‌ی هلنیستی» با راهنمایی «بیبا سودایی» است.

2. Lampsacus, Abydus, Colophon, Mylasa, Sardes and Magnesia.

۳. پس از مرگ اسکندر نزدیک به یک قرن سکه‌های وی ضرب شدند؛ به مسکوکات اسکندر که در زمان پس از مرگ وی ضرب شدند «گونه‌ی اسکندر» می‌گویند (De Callatay, 2012).

4. Margaret Thompson: *Alexander's Drachm Mints I: Sardes and Miletus, Alexander's Drachm Mints II: Lampsacus and Abyadus*.

5. Richard Ashton: *Five Alexander Hoards in Afyon Museum*.

6. Robert Price: *The Coinage in the Name of Alexander the Great and Philip Arrhidaeus*.

7. Muller.

8. Edward Newell, Otto Morkholm, Margaret Thompson & Bellinger.

9. Price, M. J., 1991, *The Coinage in the Name of Alexander the Great and Philip Arrhidaeus*. Vol. I and II, Zurich- London: The Swiss Numismtic Society in Assocoiation with British museum Press.
۱۰. تالانت (Talent) واحدی برای اندازه‌گیری فلزات گران بها بود. در زمان اسکندر هر تالانت معادل ۲/۶ کیلوگرم طلا و یا معادل ۲۶ کیلو گرم نقره بود (De Callatay, 2012).
11. Amphipolis.
۱۲. بر روی این سکه‌ها نقش آتنا، الهه‌ی شهر آتن و در پشت سکه‌ها جغد (پرنده‌ی آتنا) ضرب می‌شد.
13. Alexander Type.
۱۴. Aetophoros: زئوس نشسته بر تخت و عقابی را در دست دارد.
۱۵. پگاسوس (Pegasus): اسبی بالدار در افسانه‌های یونان و روم است که عموماً به شکل اسبی سفید با بال‌های طلایی به تصویر کشیده می‌شود.
16. Eupolemus.
17. ΑΛΕΞΑΝΔΡΟΥ (ALEXANDROY: Alexander).
18. Cossaeans.
19. Peucestes.
20. Gabiene.
21. Paraetancene.

## کتابنامه

- سجادی، علی؛ و فرزین، علیرضا، ۱۳۸۲، قلعه فلک الافلاک، دژ شاپورخواست. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، اداره میراث فرهنگی لرستان.
- Anson, E., 2004, *Eumenes of Cardia: A Greek among Macedonians*. Brill Academic Publishers.
- Ashton, R.; Mevlüt, Ü. & Uğur, H., 1966, "Five Alexander Hoards in Afyon Museum". *The Numismatic Chronicle* (Royal Numismatic Society), No. 156, Pp. 259-268.
- Austin, M. M., 2006, *The Hellenistic world from Alexander to the Roman conquest: A selection of ancient sources in translation*. Cambridge University Press.
- Bosworth, A. B., 2002, *The legacy of Alexander: politics, warfare, and propaganda under the successors*. OUP Oxford.
- Champion, J., 2014., *Antigonos the One-Eyed: Greatest of the Successor*. Pen and Sword.
- Cox, D. H., 1966, "Godrion Hoards III, IV, V, AND VII". *American Numismatic Society* (American Numismatic Society), No. 12, Pp. 19-55.
- Davesene, A. & Lemaire. A., 1966, "Tesors hellnistiques du Porche-Oreint". *Revue Numismatique*, No. 151, Pp. 51- 76.
- De Callatay, F., 2012, "Royal Hellenistic Coinages: From Alexander to Mithradates", In: *The Oxford Handbook of Greek and Roman Coinage*, (Metcalf, W. E), Pp. 175-190.
- Grainger, D. J., 1990, *Seleukos Nikator: Constructing a Hellenistic Kingdom*. London, Routledge.
- Howgego, C., 2002, *Ancient history from coins*. Routledge.
- Heckel, W., & Tritle, L. A., (Eds.), 2011, *Alexander the Great: a new history*. John Wiley & Sons.
- Martinez-Sève, L., 2011, *Atlas du monde hellénistique 336-31 av. J. C. Pouvoirs et territoires après Alexandre le Grand*, Paris.

- Muller, L., 1855, *Numismatique d'Alexandre le Grand, Suivie d'un Appendice Contenant les Monnaies de Philippe II et III*. Copenhagen.
- Noe, S. P., 1962, "The Corinth Hoard of 1938". *American Numismatic Society*, No. 10, Pp. 9- 41.
- Olbrycht, M. J., 2013, "Iranians in the Diadochi period". *After Alexander: the time of the Diadochi (323-281 BC)*, (Alonso Troncoso, V and Anson, E) Oxford: Oxbow Books, Pp. 159-182.
- Price, M., 1991, *The Coinage in the Name of Alexander the Great and Philip Arrhidaeus*. Vol. I and II. Zurich- London: The Swiss Numismatic Society in Association with British museum Press.
- Prokesch-Osten, V., 1869 [1870], *Liste des Alexandres de ma Collection Qui ne se Trouvent pas dans le Catalogue de Mr. L. Muller*. NZI 31- 64.
- Reitenstein, N. & Schwabacher, W., 1943, *The Royal Collection of Coins and Medals, Danish National Museum [9] Macedonia 2: Alexander I- Alexander III*. Copenhagen.
- Thompson, M., 1981, "The Cavalla Hoard (IGCH 450)". *American Numismatic Society*, No. 26, Pp. 33-49.
- Thompson, M., 1983, *Alexander's drachm mints* (Vol. 1). American Numismatic Society.
- Thompson, M., 1984, "Paying the mercenaries". *Festschrift Mildenberg Ed. NR.*, Pp. 241-7.
- Thompson, M., 1986, "The Armenak Hoard (IGCH 1423)". *American Numismatic Society (ANSMN)*, No. 31, Pp. 63- 106.
- Thompson, M., 1981 b, "The Alexander mint of Mylasa". *QT*, No. 10, Pp. 207-17.
- Thompson, M., 1991, *Alexander's Drachm Mints: Lampsacus and Abydos* (No. 2). American Numismatic Society.
- Thompson, M. & Bellinger, A. R., 1955, *Greek coins in the Yale collection, 4. A hoard of Alexander drachms*. YCS 14, 3-5, at 23-4.
- Troxell, H. A., 1991, *Alexander's earliest Macedonian silver*. *Mnemata: Papers in*.
- Troxell, H. A., 1997, *Studies in the Macedonian coinage of Alexander the Great* (No. 21). American Numismatic Society.